



23 سپتمبر 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

## "حکمتیار و هزار و یک سوال"

از چند هفته است که موضوع برگشت گلبدین حکمتیار - امیر حزب اسلامی "شاخه خودش" به وطن برطبق یک موافقتنامه رسمی با دولت افغانستان به وساطت "شورای صلح" به یکی از موضوعات بسیار داغ روز مبدل گردیده و در حلقات سیاسی و اجتماعات مدنی کشور و نیز در رسانه های افغانی و بین المللی بارتاب وسیع یافته است. اگرچه متن مقدماتی این موافقتنامه چند ماه قبل تهیه شده بود، ولی بنا بر موجودیت بعضی اختلاف نظرها نهائی نگردید، تا آنکه دو روز قبل یعنی بتاريخ 21 سپتمبر متن نهائی شد و بوسیله محمد حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور غنی و محمد امین کریم نماینده حکمتیار در حضور پیر گیلانی رئیس شورای عالی صلح به امضا رسید.

گفته میشود که این موافقتنامه وقتی نافذ میگردد که بوسیله رئیس جمهور اشرف غنی و شخص حکمتیار تائید و رسماً امضا شود. یکی از مواد موافقتنامه همانا تعهدیست که دولت افغانستان باید بکوشد تا نام حکمتیار و تعدادی از همکاران او را از لست سیاه ملل متحد و همچنان ایالات متحده خارج سازد. تا زمانیکه اینکار صورت نگیرد و این معضله حل نشود، رئیس جمهور افغانستان به امضای آن مبادرت نخواهد ورزید.

اینکه با وجود ابراز حمایت از این موافقتنامه بوسیله مقامات ملل متحد و مقامات امریکائی هنوز معلوم نیست که آیا دو مرجع مذکور حاضر خواهند بود تا حکمتیار را از لست سیاه بیرون کنند و باز هم اگر به اینکار راضی شوند، تحت کدام شرایط و چه نوع تضمین ها خواهد بود؟

حل این معضله یقیناً کار ساده نیست و از توان رئیس جمهور غنی به تنهایی پوره نبوده و اتخاذ تصمیم برای دو مرجع مذکور یعنی ملل متحد و مقامات امریکائی که هنوز جائزه 25 ملیون دالری شان در مورد تسلیمدهی حکمتیار پابرجاست، ایجاب وقت و زمان را میکند، بخصوص در شرایطی که موضوع انتخابات در امریکا بیک مرحله حساس رسیده و تصمیم در همچو موارد بر ذهنیت عامه مردم در این کشور اثر میگذارد. لذا توقع نمیرود که این مشکل به آسانی و بزودی حل شود.

بهر حال همانطوریکه در این چند روز موضوع موافقتنامه نام حکمتیار و حزب او را پس از گذشت سالها بار دیگر در مباحث رسانه های افغانی و بین المللی مطرح ساخت، اینکار مرا بیاد روزهایی انداخت که در اواسط سال 2001 و چندی قبل از حادثه 9/11 (سقوط دو ساختمان بزرگ تجارت جهانی در نیویارک) ایالات متحده امریکا و نیز شورای امنیت ملل متحد با تشدید تعزیرات فشار جدی را بالای طالبان مبنی بر تسلیمی اسامه بن لادن و اخراج او از افغانستان و دیگر مسائل مربوطه وارد کردند و هر لحظه احتمال توسل به اقدامات نظامی از طریق فیصله شورای امنیت بر طالبان محسوس بود. در این موقع گلبدین حکمتیار طرح هایی را ارائه کرد و برای توضیح آن متواتر از طریق مصاحبه با بعضی شبکه های خبری افغانی و نیز ایراد بیانیه ها از مجرای تلفون برای عده ای از

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

هموطنان که بنابر دعوت منسوبین حزب اسلامی در سالون های بزرگ در شهر های مختلف اروپا و امریکا گردهم آورده می شدند، صحبت میکرد و به سوالات شان جواب می گفت. در آن روزها نیز در هر حلقه و هر مجمع سخن از حکمتیار و نقش مثبت و منفی او بود که مخالفان مثل امروز با ذکر اعمال گذشته او و حزبش می پرداختند و موافقان با تمجید زیاد به او چشم امید می دوختند.

در آنوقت رادیو پیام افغان از این کمترین خواهان تبصره و تحلیل نظریات حکمتیار گردید و این تحلیل برای دوساعت دوام نمود. بعداً نظر به اصرار بعضی از علاقمندان موضوع را به قید قلم آوردم که در نتیجه به کتابی تبدیل شد و آنرا در ماه آگست 2001 در 154 صفحه در کالیفورنیا به چاپ رسانیدم و عنوانش را گذاشتم "طرح حکمتیار و هزار و یک سؤال".

اکنون که موضوع موافقتنامه بین دولت افغانستان و حزب اسلامی مطرح میباشد، همان عنوان در خاطرم باردیگر تداعی کرد، زیرا در متن موافقتنامه نکاتی به نظر میخورند که مؤید همان عنوان قبلی یعنی "هزار و یک سؤال" میباشد.

همین امروز مقاله را تحت عنوان "حکمتیار به دنبال چیست؟" در سایت دری/ فارسی بی بی سی خواندم که نویسنده آن محترم آقای سمیع مهدی به شمه از مسائل تماس گرفته بود که برایم مهم و دلچسپ واقع شد، لذا خواستم متن این نوشته را (البته با تشکر قبلی) از آن سایت اقتباس و ذیلاً به مطالعه علاقمندان موضوع از طریق این پورتال وزین برسانم:

## حکمتیار به دنبال چیست؟

سمیع مهدی - روزنامه نگار

(سایت دری/ فارسی بی بی سی)

22 سپتامبر 2016 - اول میزان 1395

گلبدین حکمتیار، یکی از هفت رهبر سنی جهادی افغانستان، سالهاست در انزوای سیاسی به سر می برد و در ۱۵ سال گذشته حزب او به چندین شاخه کوچک منشعب شده است.

در این مدت، حزب اسلامی به رهبری حکمتیار بیشتر در دو زمینه فعال بوده است: یکی پخش اعلامیه های مناسبی مانند عیدها و غیره، و دوم سازماندهی جنگ های پراکنده و انفجارهایی که سبب کشته شدن نیروهای نظامی و افراد غیر نظامی گردیده است.

البته مسئولیت این گونه حملات را همیشه سخنگویان رسمی حزب به عهده گرفته اند.

در بیست سال گذشته، برخی از فعالین حزب اسلامی، به تدریج از حکمتیار فاصله گرفته اند. آنها یا به عنوان مأمورین دولت انجام وظیفه کردند یا شامل یکی از شاخه های فعال حزب در کابل شدند.

بعضی از چهره های مشهور و تاثیرگذار حزب اسلامی، مانند وحیدالله سبواون، از دوره ی مقاومت در برابر طالبان راه خود را از حکمتیار جدا کردند. این ها حتا زمانی که حکمتیار در کنار طالبان به

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

جنگ ادامه داد، در پهلوی احمدشاه مسعود، یکی از فرماندهان مقاومت علیه طالبان و برهان‌الدین ربانی، رئیس جمهوری پیشین افغانستان دو رقیب دیرین حکمتیار، باقی ماندند.

باری از همایون جریر، یکی از چهره‌های سرشناس حزب اسلامی و از نزدیکان آقای حکمتیار، در یک گفت‌وگوی تلویزیونی پرسیدم که از چه زمانی با حکمتیار رابطه ندارد. گفت: "از زمانی که برای صلح کار می‌کنم". این پاسخ طنز تلخی در خود داشت و حکایت از تناقض میان کار برای صلح و حفظ رابطه با حکمتیار می‌کرد.



هرچند شمار زیاد از اعضای شناخته شده‌ای حزب اسلامی در پانزده سال گذشته در کنار دولت افغانستان قرار گرفتند، اما رهبر این حزب همیشه دولت افغانستان را دست نشانده و مزدور خواند و به ادامه جنگ تا خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان تاکید کرد.

در سالهای اخیر، حکمتیار گاهی مواضع بسیار تند گرفته و حتا در سال ۲۰۰۶ در یک پیام تصویری که از سوی شبکه الجزیره نشر شد، اعلام کرد که حاضر است تحت رهبری القاعده به جنگ در برابر آمریکایی‌ها ادامه دهد.

همچنان به مناسبت عید فطر سال ۲۰۱۳ در یک پیام از تلاش "خارجی‌ها" برای تجزیه افغانستان به نفع "اقلیت‌ها" سخن گفت و از این‌که ولسوالی‌های مانند دایکندی و پنجشیر به ولایت ارتقا یافته بودند، اظهار ناخشنودی کرد.

در آن زمان، بسیاری از ناظران لحن پیام حکمتیار در برابر شیعه‌ها و هزاره‌های افغانستان را تهدید آمیز خوانده بودند. پیام سال ۲۰۱۳ حکمتیار از او یک رهبر قوم‌گرا با دغدغه‌های اکثریت در برابر اقلیت‌ها به نمایش گذاشت.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

## حکمتیار و صلح

اما آقای حکمتیار از آمادگی‌اش برای صلح نیز سخن گفته است. در ابتدا آقای حکمتیار خروج بی قید و شرط نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان را شرط اصلی پذیرش صلح می‌خواند.

اما اخیراً این خواست به تعیین جدول زمانی برای خروج این نیروها تعدیل یافته است.

در سال‌های پس از سقوط رژیم طالبان، تقریباً تمام رهبران جهادی سابق از جایگاه مورد احترام در دولت افغانستان برخوردار شدند. احمدشاه مسعود عنوان قهرمان ملی افغانستان را یافت، برهان‌الدین ربانی ریاست شورای عالی صلح را برعهده گرفت و پس از کشته شدن در سال ۲۰۱۱ لقب شهید صلح به او داده شد.

عبدالعلی مزاری، یکی دیگر از رهبران هم‌نسل حکمتیار، پیوسته مورد احترام دولت بوده و مقامات دولتی در سالگرد کشته شدن او توسط طالبان او را مورد اعزاز و احترام قرار می‌دهند. عبدالرب رسول سیاف، در پانزده سال گذشته یکی از چهره‌های تاثیرگذار روی دولتمردان افغانستان بوده است و در چارچوب دولت مقامات ارشد مانند وزرا و والی‌ها از او نمایندگی می‌کنند. به همین‌گونه صبغت الله مجددی و سید احمد گیلانی، رئیس کنونی شورای عالی صلح، از امتیازات ویژه برخوردارند.

در حالی که تمام این چهره‌ها سابقه مبارزه در برابر ارتش شوروی دارند و در جنگ‌های داخلی کابل دست داشته‌اند، تنها چهره‌ای که از کاروان امتیازات عقب مانده، گلبدین حکمتیار است. او نه تنها از هیچ امتیاز شبیه رهبران دیگر برخوردار نیست، بلکه به دلیل دست بردن از خشونت و همکاری با طالبان و القاعده نامش در فهرست سیاه شورای امنیت سازمان متحد و دولت آمریکا قرار دارد.

او در طی یک و نیم دهه گذشته مورد پیگرد دولت افغانستان و نیروهای آمریکایی بوده است.

یکی از مواد توافق‌نامه دولت افغانستان با حکمتیار به خروج نام او از فهرست سیاه سازمان ملل و مصونیت قضائی او از "علمکردهای سیاسی و نظامی" گذشته‌اش است. این مصونیت احتمالاً شامل اتهامات جنایات جنگی مربوط کشته شدن هزاران نفر در جریان جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ و همچنین پانزده سال اخیر می‌شود.

پس می‌توان حدس زد که احتمالاً یکی از انگیزه‌های اصلی حکمتیار برای آشتی با دولت افغانستان رهایی از انزوای طولانی و برخورداری از همین امتیازات باشد که تا حالا محروم بوده است. چنانچه در متن بیرون درز کرده توافق‌نامه میان دولت افغانستان و گلبدین حکمتیار، یکی از مواد به فرمانی اشاره دارد که قرار است رئیس جمهور اشرف غنی برای اعزاز و احترام گلبدین حکمتیار صادر کند.

خواست دیگر حکمتیار، احتمالاً دست و پا کردن جایگاه سیاسی برای نزدیکان و اعضای خانواده‌اش است. در کنار غیرت بهیر و همایون جریر، دو داماد آقای حکمتیار، حالا پسرش حبیب‌الرحمن حکمتیار نیز وارد کارزارهای سیاسی شده است. اعضای خانواده‌های دیگر رهبران هم‌نسل حکمتیار بر کرسی‌های بلند سیاسی دولت افغانستان تکیه زده‌اند. با پیوستن فرزندان حکمتیار به این روند، حلقه میراثی شدن سیاست در افغانستان تکمیل می‌شود.

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

## دولت به دنبال چیست؟

توان رزمی شبه نظامیان تحت فرمان گلبدین حکمتیار با جنگجویان طالب قابل مقایسه نیست. برعکس پنج سال نخست دهه ۱۹۹۰ میلادی که گلبدین حکمتیار رقیب اصلی نظامی دولت وقت (به رهبری برهان الدین ربانی) بود، حالا این جایگاه را طالبان به خود اختصاص داده اند و حضور جنگجویان حزب اسلامی بسیار محدود است.

از این رو، پیوستن حکمتیار به روند صلح تاثیر فراوان بالای وضعیت جنگ و امنیت افغانستان نخواهد گذاشت.

ولی می‌تواند از لحاظ سیاسی سبب انزوای بیشتر طالبان هم از نظر قومی و هم از دید مشروعیت مذهبی گردد. چون با پیوستن حکمتیار به صلح، یکی از دیرپاترین رهبران سنتی-مذهبی افغانستان که در این اواخر گرایش قومی نیز از خود نشان داده است، مخاصمت نظامی را ترک می‌کند. به این ترتیب کار برای طالبان که جنگ‌شان مبتنی بر فتوهای دینی و تمایلات قومی است، دشوارتر از پیش می‌شود و این حربه کاربرد کمتر خواهد داشت.

طالبان که پیوسته دولت افغانستان را به عدم مشروعیت دینی متهم کرده‌اند، خود را در جایگاه دشوار خواهند یافت. همچنان اتهام پشتون‌ستیز بودن دولت افغانستان، که از جانب رهبران پاکستانی مانند پرویز مشرف نیز مطرح شده است، با آمدن حکمتیار به کابل، غیر موجه‌تر از پیش می‌گردد.

از سوی دیگر، کشاندن پای حکمتیار به کابل، جان تازه‌ای به روند بی روح مذاکرات صلح خواهد بخشید. دولت افغانستان می‌تواند از این اتفاق به عنوان یک دست‌آورد در نشست بروکسل که قرار است تا کمتر از یک ماه دیگر برگزار شود، استفاده کند.

## تاثیر سیاسی کابل

دو طرف اصلی دستگاه کنونی قدرت در کابل، یکی بقایای مقاومت در برابر طالبان، با محوریت غیرپشتون‌ها، و دیگری تکنوکرات‌های برگشته از غرب، با محوریت پشتون‌ها است. بعید است این صلح سبب تضعیف رهبران مقاومت در برابر طالبان شود. چون احتمال نمی‌رود آنها از سهم خود از قدرت برای حکمتیار تعارف کنند.

فاروق وردک، وزیر پیشین معارف و از اعضای حزب اسلامی، اخیراً گفته است که آمدن حکمتیار سبب انزوای "فدرال خواهان" می‌شود. یعنی رقابت میان حکمتیار و برخی از اعضای جمعیت و حامیان مقاومت در برابر طالبان که طرفدار تغییر نظام سیاسی افغانستان به فدرال اند، ادامه خواهد یافت.

اما آمدن حکمتیار برای آنهایی که ادعای رهبری پشتون‌ها با تمایلات ضد آمریکایی دارند، نیز بی‌هزینه نخواهد بود. چون سال‌هاست که حکمتیار در این موضع قرار دارد و بهتر از هرکسی دیگر می‌تواند ادعای ضد آمریکایی بودن کند.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

احتمالاً یکی از کسانی که بیشتر از دیگران از آمدن حکمتیار آسیب ببیند، حامد کرزی است. حامد کرزی از آغاز دور دوم کارش تا حالا انتقادهای شدیدی بر عملکرد آمریکا داشته است. هرچند او خود با حمایت آمریکا به قدرت رسید، اما موضعگیری‌های چند سال اخیر او، از او یک چهره‌ی ضد آمریکایی ساخته است.

ورود حکمتیار به صحنه سیاسی کابل ممکن است این امتیاز را از کرزی بگیرد و او را به کرسی عقبی براند.

با آمدن حکمتیار، معلوم نیست سرنوشت چندین شاخه حزب اسلامی که رسماً در کابل فعالیت دارند، چه خواهد شد. آیا این‌ها دوباره به بدنه اصلی حزب به رهبری حکمتیار می‌پیوندند یا به کار مستقل ادامه خواهند داد؟ در حالی که ادامه کار مستقلانه این شاخه‌ها، در صورت حضور حکمتیار در کابل، خالی از دشواری نیست، آزمون اصلی برای حکمتیار در گرفتن سهم از خوان قدرت در کابل نیز به همین نکته گره خورده است.

---

د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ